

تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای

بیژن اسدی^۱

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کسب تجربه‌های عینی و ملموس از جنگ ایران و عراق و تحولات مربوط به آن - از جمله سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های دو ابرقدرت امریکا و شوروی و کشورهای غربی در قبال جنگ و شناخت اهمیت و نقش قدرت صنعتی و تکنولوژی در موقعیت و وزن کشورها - رویکردی مبتنی بر قدرت و واقع‌گرایی پیدا کرد. در همین راستا بود که صنایع نظامی و تسلیحاتی ایران گسترش و پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای یافت. دستیابی ایران به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و پیش‌بینی دیگر موفقیت‌های آتی آن در این زمینه، نقش مهمی در تغییر توازن قدرت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه داشته است؛ به‌اضافه اینکه در کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای عربی خلیج فارس و امنیت منطقه، تأثیر ویژه خود را داشته است. سیاست خارجی، سیاست علمی و فناوری ایران در این مقاله از منظر بررسی عنصر «قدرت» و راهبرد و برداشت نظری «واقع‌گرایی کلاسیک» و «واقع‌گرایی ساختاری» به‌طور مشترک مورد مطالعه قرار گرفته است. دو فرضیه این مقاله روند پیشرفت‌ها و توان هسته‌ای ایران را به‌عنوان «متغیر وابسته» (Y) و در قالب «نظریه موازنه قدرت» و همین‌متغیر را به‌عنوان متغیری مستقل (X) در نظر می‌گیرد و تأثیر آن را بر سه متغیر وابسته توازن قدرت، روابط سیاسی و امنیت منطقه‌ای (خلیج فارس) (Y1, Y2, Y3) بر پایه واقعیات و رخدادهای عینی مورد آزمایش و ارزیابی علمی قرار می‌دهند.

^۱ . استادیار دانشگاه شهید بهشتی assadi25@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: برنامه هسته‌ای ایران، امنیت خلیج فارس، توازن قدرت، برداشت واقع‌گرایی کلاسیک، برداشت واقع‌گرایی ساختاری

زمینه‌ها و طرح مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) که رخدادی مهم در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی منطقه خاورمیانه بود، وقوع جنگ عراق علیه ایران دومین حادثه مهم دو دهه پایانی قرن بیستم به‌شمار می‌رود. شروع جنگ تحمیلی و ناخواسته ایران و عراق در حکم ابزار فشار نظامی غرب علیه ایران بود تا دیدگاه‌ها، اصول و آرمان‌های اسلامی - انقلابی‌اش را تعدیل و مهار نموده و از تحقق آنها جلوگیری نماید.^(۱)

جمهوری اسلامی ایران در خلال جنگ انواع تحركات و مواضع مخالف کشورهای منطقه و و قدرت‌های بزرگ جهانی را علیه خود تجربه کرد. حتی در معدود موارد تاریخ سیاست بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، شاهد همکاری و تعاون دو ابرقدرت امریکا و شوروی در قبال مسئله‌ای منطقه‌ای و در ضدیت با یک کشور (ایران) بودیم. در جریان هشت‌سال جنگ تحمیلی، به‌جز دو سه کشور عرب، بقیه از عراق حمایت همه‌جانبه کردند. ضمناً امریکا و شوروی و اغلب کشورهای اروپایی از جهات سیاسی و نظامی آن کشور را مورد پشتیبانی گسترده خود قرار دادند. از جمله امریکا آشکارا استراتژی «نه پیروزی و نه شکست ایران و عراق» را که ساخته و پرداخته برژینسکی (نظریه پرداز عمده سیاست خارجی امریکا) بود، به مرحله اجرا گذاشت و تا انتها پیش برد.^(۲)

درباره دلایل شروع جنگ علیه ایران و هدف‌های مورد نظر، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود زیرا شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند. غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود می‌دانست. باید در ایران شرایطی به‌وجود می‌آمد که دیگران ناامید شده و بگویند نمی‌شود بدون اتکا به شرق و غرب انقلابی باقی بماند. یکی از اهداف جنگ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به

تلاقی رسیدند. صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بوده؛ از آنجا شروع کردند و بر ایران فشار آوردند.^(۳)

در خلال جنگ سیاست دوگانه و متناقضی از سوی ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ غربی در قبال ایران و عراق در پیش گرفته شد. چنان‌که از یک سو انواع محدودیت‌ها و تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی و سیاسی متوجه ایران شد و برعکس، انواع حمایت‌ها و بذل و بخشش‌ها و حتی تحویل مواد و تسلیحات شیمیایی کشتار جمعی خطرناک در اختیار عراق قرار داده شد. به‌عنوان مثال، یکی از روش‌های حمایت آمریکا از عراق در جنگ، از طریق کشورهای عرب خلیج فارس انجام گرفت. در آغاز جنگ، آمریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آشکارا عراق را در تلاش‌هایش در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی حمایت کردند. آمریکا به‌منظور ایجاد اطمینان بیشتر در بین کشورهای منطقه، رسماً تعهد خود را نسبت به آنان اعلام داشت. ضمناً قول کمک‌های نظامی به کشورهای عرب در مواقع اضطراری داده شد. در همین راستا، تعداد کشتی‌های جنگی آمریکا، انگلستان و فرانسه در خلیج فارس و در مدت سه هفته در اوایل جنگ به ۶۰ فروند افزایش یافت.^(۴)

آمریکا همچنین موافقت خود را با فروش میزان قابل توجهی تسهیلات و تجهیزات نظامی به عربستان سعودی اعلام کرد.^(۵)

به‌ویژه پس از فتح خرمشهر و بازپس‌گیری آن به‌وسیله ایران در خرداد ماه ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) و از زمانی که عراقی‌ها حاضر به مذاکره و مصالحه با ایرانی‌ها شدند، آمریکا اقدامات قابل توجهی را در جهت پشتیبانی سیاسی، نظامی و اقتصادی عراق و تقویت آن کشور به‌منظور جلوگیری از پیروزی نهایی ایران انجام داد.

چنین بود که در خلال هشت سال جنگ ایران و عراق به‌شکلی برنامه‌ریزی‌شده و هماهنگ همه چیز دست به دست هم داد تا نه تنها ایران در جنگ پیروز نشود، بلکه انواع مشکلات، محدودیت‌ها و مسائل داخلی و خارجی نیز متوجه این کشور شود. بنابراین ایران پس از جنگ، با کسب تجربه‌های عینی و واقعی از آن دوران و اینکه در این زمان، همواره کشوری که قوی‌تر و دارای قدرت است، موفق‌تر بوده و حرف آخر را می‌زند، عمدتاً در سه زمینه وارد فعالیت‌ها و تحقق هدف‌های جدید خود شد: (۱) پیشرفت علوم و فناوری‌های نوین کشور؛ (۲) پیشرفت‌های اقتصادی و (۳) بازسازی، توسعه و انجام پژوهش‌های نظامی در جهت تقویت نیروهای مسلح و کاهش وابستگی به منابع خارجی برای تأمین سلاح‌ها و تجهیزات مورد نیاز کشور؛ چنان‌که نماد بارز مورد اول، دستیابی به دانش و فناوری انرژی

هسته‌ای و توانایی علمی مربوط به غنی‌سازی اورانیوم است. نشانه‌ی توجه به مورد دوم طرح و اجرای برنامه‌ی اول پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشور از سال ۱۳۳۸ به بعد بود که اکنون برنامه‌ی چهارم آن را پشت سر می‌گذاریم. در مورد سوم نیز ما شاهد طراحی و ساخت انواع تسلیحات و تجهیزات پیشرفته‌ی مورد نیاز سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی ارتش و سپاه پاسداران بوده‌ایم. به‌همین جهت، صنایع نظامی ایران پس از جنگ به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های چشم‌گیری در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافته است.

حال با توجه به زمینه‌های یاد شده، با سؤال‌های اصلی و فرعی زیر درباره‌ی موضوع مقاله روبرو هستیم که باید برای آنها پاسخ‌های لازم یافته شوند:

(۱) سؤال اصلی: چرا ایران پس از پایان جنگ ایران و عراق، از جمله استراتژی‌های جدید خود را بر پایه‌ی پیشرفت‌های دانش هسته‌ای بنیان نهاد؟

(۲) تأثیر پیشرفت‌ها و توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت منطقه‌ی خاورمیانه-به‌ویژه با تأکید بر اسرائیل - چیست و چرا؟

(۳) چرا با وجود تأکید ایران بر صلح‌آمیز بودن دانش و توان هسته‌ای خود، امریکا و غرب فعالیت‌های هسته‌ای ایران را غیرصلح‌آمیز، خطرناک و خلاف مصالح مردم منطقه اعلام کرده است؟

(۴) تأثیر و پیامدهای توان هسته‌ای ایران بر کیفیت مناسبات این کشور با کشورهای خلیج فارس و امنیت منطقه چه بوده است؟

مفروض مقاله این است: «تجربه‌های تاریخی عینی و عملی موجود در سیاست و روابط بین‌الملل آشکارا گویای نقش و تأثیر مهم عنصر «قدرت» به‌ویژه از دیدگاه پیشرفت‌های علمی و فناوری و نیز میزان قدرت نظامی یک کشور در عرصه‌ی مناسباتش با سایر کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است».

دو فرضیه‌ی اصلی و فرعی این مقاله عبارتند از:

فرضیه‌ی اصلی: «سیاست خارجی ج.ا.ایران پس از پایان جنگ ایران و عراق با توجه به تجربه‌های عینی ناشی از دوران جنگ و تحولات آن و به‌ویژه سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های ابرقدرت‌ها و کشورهای غربی در قبال آن و شناخت اهمیت و نقش قدرت علمی، فناوری، صنعتی و نظامی در تعیین موقعیت یک کشور رویکردی مبتنی بر قدرت و واقع‌گرایی پیدا کرد».

فرضیه‌ی فرعی: «توسعه‌ی دانش و توان هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بر ماهیت و کیفیت توازن قدرت، مناسبات سیاسی با کشورهای خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای به‌تناسب تأثیرگذار بوده است».

چهارچوب تئوریک

در بحث شناخت چرایی عملکرد سیاست خارجی یک کشور باید عوامل مؤثر بر رفتار و کردار خارجی دولت‌ها را بازشناسی کنیم. برای انجام این امر ضروری است چهارچوبی تئوریک را به منظور تجزیه و تحلیل تصمیم‌ها و اقدامات دولت ایران در زمینه دستیابی هرچه بیشتر به دانش هسته‌ای مشخص نماییم. در این مقاله از نظریهٔ واقع‌گرایی کلاسیک^۱ و واقع‌گرایی ساختاری^۲ به‌طور مشترک و طبعاً با تأکید بر عنصر «قدرت» بهره گرفته‌ایم. هانس مورگنتا به‌عنوان نظریه‌پرداز سیاست و روابط بین‌الملل و واضع نظریهٔ موازنهٔ قدرت،^(۳) مفهوم منافع ملّی را محور اصلی مباحث خود قرار داده است. وی همواره بر مفهوم منافع ملّی به‌عنوان «واقعیتی عینی» و مهم در راه شناخت فکر و اقدام سیاست‌گذاران تأکید کرده است. پیام اصلی او این است که منافع ملّی «معیاری همیشگی است که باید با آن اقدام سیاسی را ارزیابی کرد». د/ت یکی از پژوهشگران سیاست جهانی اعتقاد دارد «روابط بین کشورها تنها حاوی منازعهٔ لاینقطع و دائمی است که گاه به جنگ نیز ختم می‌شود».^(۴)

آرون^(۵) نیز می‌گوید:

«هرچه قدرت انسان بیشتر باشد، احتمال حمله به او کاهش می‌یابد، ضمن اینکه وی متوجه می‌شود در چنین قدرتی توان تحمیل خود بر دیگران نیز نهفته است و این رضایت‌خاطری است که نیاز به توجیه دیگری ندارد».^(۶)

قابل اشاره است که همه نظریه‌پردازان واقع‌گرایی کلاسیک از جمله آرون، مورگنتا، کیسینجر و کنان بر این باورند که مفاهیم کلیدی و اساسی این نظریه را می‌توان در سه مفهوم دولت‌گرایی^۳، بقا^۴ و خودیاری^۵ خلاصه کرد^(۷) که در مباحث مقاله بنابه ضرورت مورد استفاده و تفسیر قرار خواهند گرفت.^(۸)

مدتی پس از مطرح شدن نظریهٔ واقع‌گرایی (کلاسیک)، کنت والتز در کتاب خود با عنوان نظریهٔ سیاست بین‌الملل^(۹) به بازبینی نظریهٔ واقع‌گرایی کلاسیک پرداخت.

۱. Realism

۲. Structural Realism

۳. Statism

۴. Survival

۵. Self-help

والتز کلیه مفاهیم به کار گرفته شده در نظریه اخیر نظیر آنارشی، قدرت، منافع ملی و تمایز میان سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی را می‌پذیرد، اما مهم‌ترین انتقادی که به این نظریه دارد، مسئله تقلیل‌گرا بودن^۱ آن است. مطابق نظر والتز، باید نظریه‌ای به وجود آورد که بتواند نوعی تبیین کل‌نگر^۲ از ساختار نظام بین‌الملل ارائه دهد. از این رو، واقع‌گرایی ساختاری برای فهم سیاست بین‌الملل، به جای سطح تحلیل ملی از سطح تحلیل نظام بین‌المللی استفاده می‌کند. والتز مدعی است تقلیل مطالعه سیاست بین‌الملل به سطح دولت-ملت و در نتیجه تقلیل سطح فرایند تصمیم‌گیری و الگوی رفتاری در تصمیم‌گیری ناکافی است زیرا به تأثیر سطح تحلیل سیستمی بر رفتار دولت‌ها توجه نمی‌کند.

رویکردی مناسب‌تر است که در سطح سیستم صورت گیرد. از این رو همان‌گونه که والتز بیان می‌کند: «نظریه‌های سیاست بین‌الملل که بر علل فردی یا ملی تمرکز می‌کنند، تقلیل‌گرا می‌باشند. اما نظریه‌هایی که بر علل بین‌المللی متمرکز می‌شوند، نظریه‌های سیستمی هستند». بنابراین، والتز می‌خواهد نظریه‌ای کل‌گرا برای فهم سیاست و روابط بین‌الملل ارائه نماید. او با اشاره به مفهوم تقلیل‌گرایی و نقص آن به دنبال ارائه نظریه‌ای غیر تقلیل‌گرا، سیستمی و ساختارگراست.

برنامه هسته‌ای ایران: هدفی مشابه در دو نظام

برنامه هسته‌ای ایران به دوران شاه و پیش از شکل‌گیری ج.ا.ایران بر می‌گردد؛ زمانی که روابط ایران و آمریکا بسیار حسنه و دوستانه بود و به‌ویژه ایران از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹ به‌مثابه متحد استراتژیک آمریکا و ژاندارم منطقه خلیج فارس و حافظ منافع منطقه‌ای ایالات متحده فعالیت می‌کرد. این برنامه شامل یک نیروگاه هسته‌ای هزار مگاواتی در بوشهر بود که قرار بود با کمک آلمانی‌ها احداث و راه‌اندازی شود. ولی پس از پیروزی انقلاب و اتخاذ مواضع ضدغربی در سیاست خارجی ایران، آلمانی‌ها از ادامه و تکمیل نیروگاه بوشهر کنار کشیدند و روسیه متعهد به ادامه و تحویل آن شد.

۱ Reductionism

۲ Holisti

هدف و انگیزه شاه از این برنامه تلفیقی از «ناسیونالیسم مثبت ایران»، منافع ملی و تهدیدهای ناشی از همسایگان شمالی و شرقی ایران یعنی شوروی و هند و پاکستان بود. در ربع آخر قرن بیستم، اهمیت برنامه هسته‌ای ایران عبارت از یک تضمین سیاسی در مقابله با تهدید و نفوذ اتحاد شوروی بود؛ درحالی‌که این تهدید برای نظام جمهوری اسلامی، جایش را به ایالات متحده داد. ضمن اینکه در نظام فعلی، مشکل تهدید استراتژیک هند و پاکستان به صورت چشمگیرتری خودنمایی نمود و از سوی دیگر موضع ضد اسرائیلی نظام ج.ا.ایران برخلاف نظام سابق، حالتی به شدت رادیکال، سازش‌ناپذیر و از دیدگاه غرب نگران‌کننده به خود گرفت.^(۱۳)

شاه در آخرین کتاب معروف خود با عنوان: «پاسخ به تاریخ» و در اواخر فصل هفتم آن پس از برشمردن ارزش نفت و قیمت واقعی آن و سیاست «نفت گران» بدین معنی که: «این سیاست نفت گران همان قیمت‌گذاری نفت براساس ارزش واقعی آن است. این همان سیاستی است که آرزو داشتیم برای نفع همگان در پیش بگیرم»، بر استفاده از انرژی‌های جانشین و به‌ویژه انرژی هسته‌ای و اینکه «آینده ایران دیگر نمی‌تواند به نفت متکی باشد، تأکید می‌کند».^(۱۴) وی در ادامه و با زیرعنوان: «حکومت کردن مستلزم برنامه‌ریزی قبلی است» و با «درنظر گرفتن حقایق» مربوط به ارزش نفت، برنامه‌ریزی حکومت برای تأسیس سریع چهار نیروگاه برق هسته‌ای را خاطرنشان می‌کند: «نیروگاه‌های هسته‌ای ایران یک و دو» که آلمانی‌ها در نزدیکی بوشهر می‌ساختند و «ایران سه و چهار» که بنا بود فرانسوی‌ها بر ساحل کارون در نزدیکی اهواز برپا کنند. قرار بود دو نیروگاه اولی در ۱۹۸۱ و ۱۹۸۰ مورد بهره‌برداری قرار گیرند و دو نیروگاه دیگر در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۳. ضمن اینکه بنا بود در آینده ۱۴ نیروگاه برق هسته‌ای دیگر نیز با جمع تولید ۲۵۰۰۰ مگاوات برق اتمی در ایران ساخته شوند. در راستای تحقق هدف‌های یاد شده، ایران در آوریل ۱۹۷۷ کنگره علمی بزرگی را با شرکت ۵۰۰ دانشمند و کارشناس هسته‌ای در شیراز ترتیب داد تا درباره همکاری‌های بین‌المللی برای فناوری هسته‌ای و به گفته شاه «صرفاً برای مقاصد غیرنظامی» به بحث و تبادل نظر پردازند. حتی شاه در بخشی از پاسخ خود به پیام جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت امریکا به کنگره، اشاره می‌کند «... در این زمینه آرزومندم که ایران همه تلاش خود را در راه استفاده صلح‌جویانه از انرژی اتمی به کار بندد. ما به همکاری خویش با همه ملل عالم برای رسیدن به این هدف که به سود جامعه بشری است، ادامه خواهیم داد».^(۱۵)

تجربه‌ها و درس‌های جنگ: قدرت و واقع‌گرایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، شاهد بودیم دو کشور آلمان و فرانسه با کارشکنی‌ها و عدم انجام تعهدات خود، موجب تعطیلی برنامه‌ی ادامه‌ی ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای مورد توافق قبلی شدند. به‌اضافه‌ی اینکه، در خلال جنگ ایران و عراق نیز هواپیماهای جنگی عراق با هماهنگی امریکایی‌ها و از طریق پایگاه‌های هوایی کویت چند بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله کردند و خسارات قابل توجهی به آن وارد نمودند. به‌هرحال، ایران با خودداری منابع غربی در تکمیل نیروگاه بوشهر به‌ناچار به‌سمت شوروی رفت. فدراسیون روسیه نیز به‌رغم قبول تعهداتی در این مورد، به‌دلیل مواجهه با مسائل و مشکلات ویژه‌ی اقتصادی و سیاسی ناشی از فروپاشی نظام کمونیسم و تحت تأثیر فشارهای امریکا و کوتاه آمدن در برابر آن، امور اجرایی نیروگاه بوشهر را تاکنون با مشکلات و کُندی و تأخیر زیاد پیش برده است. درواقع باید متذکر شد ایران هم‌اکنون نیز در مورد اتمام طرح نیروگاه هسته‌ای بوشهر با فدراسیون روسیه مشکل دارد!

حال این سؤال مطرح است که چرا ج.ا.ایران نیز همان برنامه‌ی هسته‌ای دوران شاه را با جدیت و تأکید ادامه می‌دهد.

نخست اینکه همه‌ی کارشناسان جهانی انرژی اتفاق نظر دارند ذخایر نفتی تجدیدنپذیر بوده و رو به پایان است. بنابراین ضروری است کشورهای نفتی و صنعتی جهان به‌سمت استفاده از انرژی‌های جانشین نفت مانند گاز، هسته‌ای، خورشیدی و غیره حرکت کنند. رهبران ایران نیز با آگاهی از این واقعیت، یکی از هدف‌های اساسی و استراتژیک کشور را جانشین‌سازی انرژی‌های گاز و هسته‌ای به‌جای نفت اعلام کرده‌اند، درواقع این روندی است که از سال‌ها قبل عملاً به مرحله‌ی اجرا درآمده است. به‌ویژه، از آنجا که میزان جمعیت و مصرف انرژی رو به افزایش بوده و میزان استخراج نفت نیز با محدودیت‌هایی روبروست، لذا اجرای این برنامه امری غیرقابل تردید می‌نماید. در همین راستا اخیراً گزارش پژوهشی منتشره از سوی «آکادمی ملی علوم» امریکا تأیید کرده مسئله اعلام نیاز ایران به انرژی هسته‌ای، ممکن است واقعیت داشته باشد؛ چراکه براساس ارزیابی انجام شده، احتمالاً صادرات نفت ایران تا پنج سال آینده به نصف میزان فعلی و تا سال ۲۰۱۵ به حد صفر خواهد رسید و همه‌ی تولیدات نفتی را خود مصرف خواهد نمود. این گزارش متذکر می‌شود میزان

سرمایه‌گذاری ایران در تولید بیشتر نفت ناکافی است؛ به‌اضافه اینکه جمعیت کشور نیز در حال افزایش سریع است.^(۱۶)

دوم اینکه، براساس نظریه واقع‌گرایی (کلاسیک) و واقع‌گرایی ساختاری، ایران دقیقاً با درس گرفتن از تجربه‌های عینی سال‌های پس از انقلاب - به‌ویژه دوران جنگ ایران و عراق - عناصر «قدرت» و «منافع ملی» و «نظام منطقه‌ای» و «نظام بین‌المللی» را مورد بازنگری مجدد قرار داد. به عبارت روشن‌تر، ج.ا.ایران برای درک و تبیین سیاست و روابط بین‌المللی هم از سطح تحلیل ملی و هم نظام بین‌الملل بهره گرفته و حداقل در مورد برنامه انرژی هسته‌ای، تحلیل سیستمی بر چگونگی تصمیم‌گیری و رفتار دولت ایران حکم فرما شد.

در طول جنگ ایران و عراق، ایران عملاً منزوی شده و مورد تحریم و فشارهای شدید اقتصادی و نظامی غرب قرار گرفت که از سوی امریکا سازماندهی شده بود. این در حالی بود که عراق با انواع تسلیحات و تجهیزات پیشرفته نظامی و اطلاعاتی از سوی منابع غربی (امریکا و اروپا) و شرقی (شوروی و بلوک شرق) تغذیه، تدارک و حمایت می‌شد. سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای نیز در زمینه‌های گوناگون عمدتاً از عراق پشتیبانی و طرفداری می‌کردند. کشورهای عرب خلیج فارس و خاورمیانه نیز - به‌جز چند کشور معدود - از عراق جانبداری می‌نمودند. امریکا آشکارا و رسمی سیاست «نه پیروزی و نه شکست ایران یا عراق» را دنبال می‌کرد.^(۱۷) قابل تأمل است که حتی دنیا استفاده مکرر عراق از تسلیحات غیرمتعارف و غیرقانونی شیمیایی علیه نیروهای ایرانی (و مردم کرد حلبچه عراق) را نادیده گرفت و غیرمسئولانه از کنار آن گذشت. همچنین در اواخر جنگ هواپیمای مسافربری ایران با حدود ۳۰۰ مسافر غیرنظامی ناجوانمردانه قربانی هدف‌های سیاسی - نظامی و مطامع غرب شد.

بالاخره اینکه اینگونه خاطره‌ها و وقایع تلخ و غیرعادلانه سبب ایجاد یک رشته ناخشنودی‌ها، خشم و نفرت و سوءظن و بدبینی نسبت به سیاست‌های بین‌المللی در میان رهبران و مردم ایران شد. در نتیجه احساسات ناسیونالیستی و ضداستعماری ایرانی‌ها در حمایت از دستیابی به استقلال و قدرت ملی در تمامی زمینه‌ها تشدید و گسترش یافت.^(۱۸)

ضروری است به‌عنوان شواهدی عینی در تأیید ادعای یادشده، به ذکر چند رخداد و موضع‌گیری مربوط به جنگ ایران و عراق بپردازیم. امریکا و کشورهای غربی پس

از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه با شروع جنگ عراق علیه ایران، اقدام به اعزام و تمرکز نیروی نظامی در منطقه خلیج فارس کردند، از جمله نیروی واکنش سریع آمریکا به‌عنوان واکنشی در قبال انقلاب ایران شکل گرفت و توسعه یافت و در زمان جنگ، تحرک و توسعه فوق‌العاده‌ای پیدا کرد.^(۱۹) پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ (در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۷)، تحلیل‌گران سیاسی و نظامی آمریکا صریحاً اعلام کردند حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس کاملاً برای حمایت از رژیم عراق بوده است.^(۲۰) همچنین نشریه انگلیسی گاردین نوشت: «هدف از حضور ناوهای غربی در خلیج فارس، جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ بوده است».^(۲۱) ضمناً قابل تأمل است که تنها کمتر از گذشت ۱۰ روز پس از قبول آتش‌بس از سوی ایران، هواپیماهای عراقی پایگاه‌های شکاری نوژه همدان، وحدتی دزفول و همچنین پادگان تپ ۲ سقز و پایگاه هوانیرو کرمانشاه را بمباران کردند!^(۲۲)

آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب ایران پس از قبول قطعنامه آتش‌بس و در آستانه سالگرد واقعه فاجعه مکه (۱۳۶۶) با صدور پیام مهم و تاریخی مشهوری به نام «منشور انقلاب»، نقطه‌نظرات خود را درباره مسائل سیاسی منطقه‌ای، سیاست و روابط بین‌الملل و از جمله جنگ ایران و عراق بیان داشتند. ایشان در پایان پیام خود خطاب به جوانان ایران می‌گوید:

«... من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان سفارش می‌کنم خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم به هر شکل ممکن وسائل ارتقای ... علمی... جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگهدارید ... مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست.»^(۲۳)

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی یک‌ماه پس از پذیرش قطعنامه آتش‌بس و در رابطه با دوران پس از جنگ و پیش‌بینی‌های لازم اشاره کرد: «نیروهای مسلح ما باید به توان مناسبی که پشتوانه انقلاب باشد و کسی دیگر جرئت نکند به ما حمله کند، برسند. سلاح نظامیان باید در اولویت باشد، برای

اینکه خودمان از درون خودمان قوی باشیم، نه اینکه محتاج به فروش [تسلیمات خارجی از سوی] دیگران باشیم».^(۲۴)

منطق و بنیان‌های برنامه هسته‌ای ایران

در مبحث چهارچوب تئوریک مقاله به وجود عناصر دولت‌گرایی، بقا و خودیاری در نظریه واقع‌گرایی کلاسیک اشاره کردیم. عنصر «دولت» در این نظریه مهم‌ترین بازیگر عرصه سیاست بین‌الملل است. عنصر «بقا» دومین مفهوم کلیدی در نظریه مذکور است. هرچند واقع‌گرایان در مورد اینکه آیا انباشت قدرت در عرصه بین‌المللی خود یک هدف است یا اینکه وسیله‌ای برای نیل به هدف‌های دیگر، اتفاق نظر ندارند، اما شکی وجود ندارد که مهم‌ترین هدف یک دولت بقای آن است که در قالب مفهوم امنیت (امنیت ملی) خود را نشان می‌دهد. باید خاطر نشان ساخت بقا هدف همه دولت‌هاست و برای دستیابی به بقیه هدف‌ها باید این امر محقق شود.^(۲۵) هنری کیسینجر در این مورد می‌گوید: «بقای یک ملت مسئولیت اوّل و آخر آن است و نباید مورد معامله قرار گرفته یا در معرض خطر قرار گیرد».^(۲۶)

اما در مورد عنصر «خودیاری» باید یادآور شویم اصولاً تفاوتی اساسی میان سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل وجود دارد. در سیاست داخلی، ضرورت و اجباری وجود ندارد که دولت از امنیت خویش دفاع نماید. اما برعکس، در سیاست بین‌الملل به سبب فقدان یک اقتدار بالاتر که بتواند از کاربرد زور علیه خود جلوگیری کرده و یا در صورت کاربرد زور با آن مقابله مؤثر نماید، لذا دولت‌ها مجبور هستند امنیت ملی خود را حفظ و تأمین نمایند. از دیدگاه واقع‌گرایان، از آنجا که آنارشی و هرج و مرج از جمله صفات و ویژگی‌های طبیعی سیاست و نظام بین‌الملل است، بنابراین منازعه و درگیری امری دائمی و ثابت است و در این شرایط، بقا و تأمین امنیت ملی به هدف اصلی دولت‌ها تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، افزایش قدرت خود، یا به عبارت دیگر، «خودیاری» مهم‌ترین اصل برای امنیت ملی یک کشور به شمار می‌آید.^(۲۷)

بنابراین، ج.ا.ایران پس از پایان جنگ و کسب تجربه‌ها و درس‌های ناشی از آن، دو استراتژی عمده را در زمینه‌های نظامی و انرژی درپیش گرفت. نخست، توسعه صنایع نظامی و انجام پژوهش‌های مربوط به کسب فناوری‌های تسلیحاتی و تجهیزات نظامی در جهت تأمین و تجهیز نیروهای مسلح و کاهش وابستگی به منابع خارجی در

جهت تأمین بیشتر امنیت ملی کشور^(۲۸) و دوم، سیاست جانشین‌سازی تدریجی انرژی‌های گاز و هسته‌ای به‌جای نفت. در مورد اول، ایران به‌زودی به پیشرفت‌های بزرگی در صنایع نظامی زمینی، دریایی و هوایی و به‌ویژه صنایع موشکی دست یافت که موشک‌های سری شهاب از آن جمله هستند. در مورد دوم نیز ایران اولاً با جدیت تمام تلاش کرده است منبع مصارف خانگی و صنعتی کشور را هرچه بیشتر از نفت به گاز طبیعی سوق دهد. ثانیاً توانست در سال‌های اخیر به فناوری تولید «کیک زرد» و غنی‌سازی اورانیوم - فعلاً در سطح آزمایشگاهی - دست یابد و وارد باشگاه کشورهای هسته‌ای جهان شود. نکته قابل توجه در دو برنامه پیش‌گفته این است که منابع غربی و به‌ویژه آمریکا و نیز اسرائیل از همان سال‌های پس از جنگ، با پیوند دادن برنامه‌های توسعه صنایع تسلیحاتی و نیز انرژی هسته‌ای ایران به یکدیگر، این اتهام سنگین را متوجه ج.ا.ایران ساختند که به دنبال تولید تسلیحات کشتار جمعی و به‌ویژه بمب‌های اتمی است.^(۲۹) ضمناً رسانه‌های جمعی و انتشارات علمی سازمان‌های غربی همگی به‌شکلی هماهنگ و حساب‌شده تلاش کرده‌اند ایران و برنامه‌های تسلیحاتی و هسته‌ای آن را به‌مثابه خطری جدی برای کشورهای منطقه و حتی جهان وانمود نمایند.

مثلاً در راستای همان سیاست بالا، براساس گزارش منتشرشده‌ای در اوت سال ۲۰۰۰ به وسیله سازمان اطلاعاتی «سیا» و تجزیه و تحلیل گزارش علمی ارائه‌شده به کنفرانس تولید سلاح‌های هسته‌ای در منطقه اقیانوس هند (در اوّل مارس ۲۰۰۱)، تدوین‌شده به‌وسیله یکی از اساتید دانشگاه «ایندیانا»ی آمریکا اینگونه مطرح می‌کند:

«ایران در راه دستیابی به توانایی‌های هسته‌ای تا اندازه‌ای فعال است. گزارش یادشده هشدار می‌دهد ایران به دنبال مواد سوختی و فناوری مربوط به تولید سلاح‌های هسته‌ای است و در راه تحقق هدف خود به‌نحو استادانه‌ای از عوامل شخصی [و غیرنظامی] بهره می‌گیرد. بنابه دلایلی چند، ایران خواستار کسب توانایی هسته‌ای است. ایرانی‌ها می‌خواهند ایران را به قدرتی منطقه‌ای تبدیل کنند؛ به‌نحوی که در برابر تهدیدهای آمریکا و عراق [دوران صدام حسین] و عربستان سعودی از خود دفاع کرده و ضعف موجود در تسلیحات متعارف خود را جبران نمایند. ضمناً ایران از تهدیدهای ناشی از افغانستان [در دوران حکومت طالبان] و ماوراء آن -

در حال حاضر قدرت هسته‌ای پاکستان - نگران است. ایران در هر جنگ احتمالی با عراق با خطری محتمل و واقعی از نظر کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی علیه ایران روبروست. بنابراین نیازمند بهره‌گیری تسلیحات هسته‌ای در امر بازدارندگی است. در ضمن، همکاری‌ها و تشریک مساعی بین ترکیه و اسرائیل، خود یک منبع ناامنی برای ایران محسوب می‌شود. حمایت‌های امریکا از اسرائیل - با وجود آنکه به‌طور غیرقانونی دارای سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد - نیز عامل دیگری در این ارزیابی به‌شمار می‌آید. از دیدگاه ایرانی‌ها، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای کاملاً منطقی است. آنان با تخصیص هزینه کمتر نسبت به هزینه‌های بالای نوسازی نیروهای متعارف خود، در واقع ضریب اطمینان امنیت ملی‌شان را در برابر دشمنان بالقوه خود افزایش خواهند داد. واکنش بین‌المللی در برابر اقدامات ایران، عبارت از منزوی کردن بیشتر ایران (بیش از وضعیت کنونی) خواهد بود. تنها تصمیم سخت ایران این است که آیا می‌تواند با استفاده از آزمایش هسته‌ای به یک قدرت برتر تبدیل شود یا خیر؟^(۳۰)

تیموتی گاردن نویسنده گزارش علمی یادشده جدا از پنج کشور هسته‌ای بزرگ دنیا (امریکا، فدراسیون روسیه، انگلستان، فرانسه و چین) و سه کشور هسته‌ای دیگر (اسرائیل، هندوستان و پاکستان) سه کشور ایران، کره شمالی و عراق (دوران صدام حسین) را در شمار کشورهای نام می‌برد که در آستانه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای هستند. در مرحله بعدی کشورهای لیبی،^(۳۱) عربستان سعودی، کره جنوبی، مصر، سوریه و تایوان را مورد توجه قرار می‌دهد که به فکر هسته‌ای شدن هستند. پس از آن، کشورهای آفریقای جنوبی، آرژانتین و برزیل را نام می‌برد که از جمله تولیدکنندگان محتمل سلاح‌های هسته‌ای در سال‌های آتی بوده‌اند که البته بعداً برنامه‌های خود را تغییر داده و آن را متوقف کرده‌اند. ضمناً جمهوری‌های اوکراین، قزاقستان، و روسیه سفید (بلاروس) که در زمان جنگ سرد بخشی از نیروهای اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می‌دادند، پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌ها، امکانات هسته‌ای خود را رها کرده‌اند.^(۳۲)

به هر حال، ایران همواره اعلام کرده برنامه هسته‌ای آن صلح‌آمیز بوده و هیچ خطری را متوجه کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه و یا جهان نخواهد کرد. برعکس، منابع غربی و به‌ویژه امریکایی‌ها با جدیت به دنبال القای «غیرصلح‌آمیز» بودن برنامه هسته‌ای ایران بوده‌اند. اما در عین حال، واقعیت پیشرفت‌های مربوط به فناوری‌های تسلیحاتی و هسته‌ای متعارف و قانونی ایران را نیز نمی‌توانیم نادیده بگیریم که موجب حساسیت‌ها و سوءظن‌های منابع منطقه‌ای و بین‌المللی شده‌اند؛ به‌اضافه اینکه جدا از انتشار اطلاعات درست یا نادرست سازمان‌های جاسوسی خارجی مبنی بر ارزیابی توانایی‌های علمی-فناوری، نظامی و هسته‌ای ایران، برخی اظهارنظرها و بیانات مقامات رسمی و سطح بالای ج.ا.ایران نیز همواره به این‌گونه تردیدها و سوءظن‌ها دامن زده است. مثلاً یکی از پژوهشگران سیاسی انگلیسی^(۳۳) اخیراً در تجزیه و تحلیل و توجیه حرکت ایران به سوی سلاح‌های غیرمتعارف (به‌زعم خود) و تأثیر تجربه‌های عینی هشت سال جنگ ایران و عراق (که پایه استناد نویسنده این مقاله نیز می‌باشد)، می‌گوید:^(۳۴) «ج.ا.ایران به‌عنوان یک جمهوری جوان و بی‌تجربه، دو درس بزرگ از جنگ عراق و ایران گرفت. نخست اینکه هرگز به خود اجازه ندهد دیگر در چنین موقعیت استراتژیک آسیب‌پذیری قرار گیرد و دوم اینکه وقتی در حال رویارویی با یک قدرت بزرگ جهانی است، تسلیحات جنبی و معمولی ارزشی ندارند؛ براین اساس، تصمیم گرفتند در جهت دسترسی به آن گام بردارند.

وی سپس ادامه می‌دهد ایران در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق، قابلیت ساخت سلاح‌های شیمیایی را به‌دست آورده بود. چنان‌که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس ایران حدود دو ماه پس از جنگ اظهار داشت سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، بمب‌های اتمی مردان ضعیف‌اند و به‌راحتی تولید می‌شوند. ما حداقل باید آنها را برای دفاع از خود در نظر داشته باشیم، اگرچه استفاده از آنها بر ضد بشریت است اما جنگ به ما یاد داده که قوانین بین‌المللی تنها قطراتی از جوهر روی کاغذ هستند.^(۳۵)

برنامه هسته‌ای ایران و منافع و امنیت ملی اسرائیل و امریکا: تغییر توازن قدرت؟

در رابطه با انگیزه‌های کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای و نیز کشورهای که مشتاق هسته‌ای شدن هستند، چند عامل مشترک وجود دارد. عوامل مؤثر در انگیزه، اشتیاق و حرکت کشورها به سمت هسته‌ای شدن عبارتند از: (۱) احساس عدم امنیت؛

۲) کمک به پیروزی؛ ۳) افزایش موقعیت و نفوذ (اعتبار ملی)؛ ۴) صرفه‌جویی اقتصادی (هم از نظر تأمین انرژی و هم نظامی بنابه توجیه و تفسیر کشورها؛ ۵) فشارهای اجتماعی و نظامی داخلی و ۶) سایر موارد (از جمله عدم امکان پیش‌بینی آینده ...).^(۳۶)

مسئولان ج.ا.ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران پافشاری و تأکید کرده‌اند. اما باید توجه داشت نظام حاکم ایران نظامی انقلابی، ایدئولوژیک، آرمان‌گرا و با دیدگاه‌ها و هدف‌های جهانی درازمدت^(۳۷) است. اعلام شعارها، آرمان‌ها و هدف‌ها و سیاست خارجی ج.ا.ایران در سه دهه اخیر همگی گویای واقعیت یادشده می‌باشند^(۳۸) بنابراین همین ویژگی‌ها سبب شده کشورهای غربی و حتی برخی کشورهای اسلامی عملاً ایران را به‌عنوان یک کشور خطرناک، قدرت‌طلب و ضد مصالح و امنیت ملی خودشان تلقی کنند.

از سوی دیگر، ایران نیز بنابه همان دلایل عقیدتی-مذهبی و از ابتدای انقلاب، دو کشور آمریکا و اسرائیل^(۳۹) را به‌مثابه دشمنان و خطری متوجه امنیت ملی خود لحاظ کرده است؛ همان‌گونه که آمریکا و به‌ویژه اسرائیل نیز ج.ا.ایران را حداقل تا زمانی که در سیاست‌ها و آرمان‌هایش تجدیدنظر و تعدیل نکرده، خصم خود به‌شمار می‌آورند. حال برآیند این دو دیدگاه مخالف چیست؟ این است که آمریکا و اسرائیل در سه دهه اخیر به‌طور مرتب ایران را تهدید به حمله نظامی، براندازی نظام و حداقل اعمال تحریم‌های گوناگون اقتصادی، تجاری، سیاسی و نظامی نموده‌اند.^(۴۰) ایران نیز ناچار بوده است اغلب از موضعی دفاعی، بر مبنای حفظ خود و کاهش هرچه بیشتر وابستگی به غرب، تدابیر و برنامه‌های گوناگون علمی-فناوری، توسعه اقتصادی و توسعه و تقویت توان نظامی را طراحی و پیاده کند، برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از جمله پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه علمی-فنی است.

بر اساس دیدگاه هابز و سیاست قدرت^۱، ترس از حمله و تجاوز دیگران، افراد و کشورها را وا می‌دارد کسب امنیت کنند و سعی نمایند آنچه را که به‌دست آورده‌اند، حفظ نمایند و تنها راه حفظ آنچه کسب کرده‌اند یعنی امنیت، «کسب قدرت» و ازدیاد و نمایش هرچه بیشتر «قدرت» است. به‌عبارت‌دیگر، ترس از به‌خطر افتادن امنیت، افراد بشر و کشورها را مجبور می‌کند همیشه در پی کسب قدرت باشند و از راه سلطه بر دیگران و تقویت توان خویش از به‌خطر افتادن امنیت و منافع حیاتی خود

جلوگیری نمایند.^(۴۱) ضمناً بحث مربوط به ظرفیت اقدام در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، این نکته مهم را تأیید می‌کند که پیگیری خواسته‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی مستلزم فراهم آوردن منابع و ابزارهای لازم است. در ضمن، باید توجه داشته باشیم که رابطه نزدیک و مستقیمی بین تعیین هدف‌ها و منابع در دسترس یک کشور وجود داشته باشد. به عبارت روشن‌تر، کیفیت منابع و فراهم بودن آنها ممکن است بر گزینه هدف‌های خارجی کشور تأثیر و یا حتی نقش تعیین‌کننده داشته باشد. در این راستا، نه تنها تقاضاهای حکومت برای منابع نسبت به هدف‌هایش تعدیل می‌شوند، بلکه هدف‌ها نیز اغلب تعدیل می‌شوند تا با منابع در دسترس مطابقت داشته باشند.

با توجه به شکل و ماهیت دولت ج.ا.ایران و نیز بررسی مجموعه‌ای از اسناد و مدارک منتشره شده و بیانات و اظهارنظرهای مقامات امریکایی، انگلیسی و اسرائیلی، به روشنی می‌توان دریافت که قدرتمند شدن ایران انقلابی و اسلامی - چه از نظر علمی و فناوری و چه تسلیحاتی - اصلاً مورد تأیید و قبول آنان نخواهد بود. زیرا توازن قدرت در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برهم خواهد خورد که در نهایت به ضرر منافع و مصالح منطقه‌ای امریکا و انگلیس و به ویژه امنیت ملی اسرائیل خواهد بود.^(۴۲)

به عقیده نویسنده، سیاست خارجی کلان ج.ا.ایران جدا از موارد دیگر،^(۴۳) در مورد برنامه هسته‌ای و چگونگی هماهنگی و تطبیق سیاست خارجی با آن دچار یک ناهماهنگی شدید، عدم یکپارچگی و انسجام، عدم تشخیص صحیح شرایط و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و مهم‌تر از همه «دشمن‌تراشی» آگاهانه به جای دوست‌یابی و جلب اعتماد همگانی است! ایران از سویی به جهانیان اعلام می‌کند برنامه هسته‌ای‌اش کاملاً «صلح‌آمیز» است و از سوی دیگر مسائلی نظیر «عدم قبول هولوکاست، از میان برداشتن اسرائیل از صفحه روزگار و محو آن از نقشه جغرافیایی جهان» را مطرح می‌کند.^(۴۴) آیا عقل سلیم می‌پذیرد که این دو مسئله با یکدیگر هم‌خوانی داشته و برای ایران در شرایط بسیار حساس و شکننده حاضر مسئله ایجاد نمی‌کند؟ بسیار بدیهی است که این کشورها از چنین فرصت‌های طلایی که به دست مقامات ارشد ایران فراهم شده است، ایران را کشوری غیرقابل کنترل، خطرناک و ضد مصالح و امنیت ملی کشورهای خاورمیانه (و بعضاً جهان) معرفی می‌کنند و از دنیا می‌خواهند جلوی

بلندپروازی‌ها و قدرت‌طلبی‌های ایرانیان را بگیرند!^(۴۵) آیا این همان حرف‌ها و سناریویی نیست که قبلاً در مورد عراق گفته و نوشته شده بود؟

عمده‌ترین نگرانی خاطر امریکا و انگلیس و اسرائیل این است که با فرض عدم صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و تحقق ادعای آنها دائر بر دسترسی احتمالی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و غیره، توازن قدرت موجود در منطقه خاورمیانه که در حال حاضر به نفع اسرائیل است، به نفع ایران عوض شود. این امر می‌تواند به نوبه خود بسیاری از معادله‌های سیاسی منطقه را به ضرر غرب تغییر اساسی دهد. زیرا در حال حاضر اسرائیل با توان بالای هسته‌ای و در اختیار داشتن حداقل ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای^(۴۶) (که اخیراً نیز نخست‌وزیر آن /یهود/ولمرت آشکارا و برای نخستین بار اعتراف به داشتن سلاح‌های هسته‌ای کرد)، قادر است از آنها به مثابه یک ابزار فشار بسیار قوی و مؤثر در مورد مسائل منطقه‌ای نظیر اعراب و اسرائیل و کنترل تحرکات سیاسی کشورهای عرب و نیز عاملی بازدارنده در قبال تهدیدها و خطرات احتمالی ج.ا.ایران استفاده نماید.

تجربه‌های عینی بیش از پنج دهه از زمان شکل‌گیری آن کشور، آشکارا گویای این واقعیت است که قدرت بالای نظامی و تسلیحاتی و به‌ویژه توان سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل سبب به‌کرسی نشاندن خواسته‌ها و تحقق بیشتر هدف‌های سیاسی- نظامی آن در منطقه بوده است. کیفیت روند مسئله اعراب و اسرائیل، کوتاه آمدن «ساف» در مورد آرمان‌هایش و چگونگی برخورد با فلسطینی‌ها و کشورهای عربی با امتیازگیری یک‌جانبه اسرائیل مثال بارزی در ایران زمینه است. حال اگر برنامه هسته‌ای ایران به هر شکل ممکن سبب برهم خوردن توازن قدرت موجود منطقه‌ای شود، بسیاری از معادله‌ها و محاسبه‌های سیاسی در مقایسه با قبل به نفع ایران تغییر خواهد کرد که با فرض حفظ وضع موجود (جهت‌گیری‌ها و نوع مناسبات ایران با غرب)، اصلاً مورد قبول غرب و اسرائیل نخواهد بود!

نکته مهم دیگر اینکه اصولاً در طول چند دهه اخیر، وجود سه بازیگر اصلی منطقه خلیج فارس یعنی ایران، عربستان سعودی و عراق (دوران صدام حسین) ساختار خاصی از قدرت را به وجود آورده است که براساس آن شکل‌گیری نوعی مسابقه تسلیحاتی بدبینانه در روابط سیاسی بین کشورها آشکارا قابل مشاهده است.^(۴۷) البته در این میان، کشورهای دیگر منطقه نیز به نوبه خود در زمینه تجارت و مسابقه تسلیحاتی ایفای نقش می‌کنند. تأکید می‌کنیم در این میان تأمین امنیت و حفظ و بقای اسرائیل از

همان بدو شکل‌گیری آن کشور (۱۹۴۸) تاکنون در صدر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا بوده است. بنابراین آمریکا و انگلیس هر نوع تغییر و تحول و رخداد‌های این منطقه را در درجه نخست از همان زاویه گفته‌شده مورد توجه و بررسی قرار می‌دهند. حتی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. به همین دلیل است که هر نوع فروش تسلیحات جدید امریکایی به کشورهای خاورمیانه در درجه نخست از این دید مورد بررسی قرار می‌گیرد!

امریکا در راستای تحقق دو هدف اصلی منطقه‌ای خود یعنی حفظ و گسترش منافعش در خاورمیانه - به‌ویژه نفت و تأمین امنیت و بقای اسرائیل - تمامی توان و ابزارهای دیپلماتیک خود را به کار گرفت تا شاید ایران را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای منصرف نماید.^(۴۸) اما با شکست در این مرحله، با اِعمال نفوذ و فشار بر سازمان ملل متحد و همراهی چهار قدرت هسته‌ای بزرگ جهان و عضو دائمی شورای امنیت، بالاخره توانست در دوم دی ماه ۱۳۸۵ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶) قطعنامه تحریم اقتصادی ایران را به اتفاق آرای اعضای شورای امنیت به تصویب برساند.

جالب توجه است که اسرائیل با استقبال از تصویب این قطعنامه، خواستار اقدامات بیشتر و قاطعانه‌تر علیه جمهوری اسلامی ایران شد! این در حالی است که بنابه گفته محمدجواد ظریف نماینده دائم ایران در سازمان ملل خطاب به شورای امنیت، «تنها چند روز پیش از آن، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل [برای نخستین بار و آشکارا] سلاح‌های هسته‌ای این رژیم را به رخ جهانیان کشید^(۴۹) اما سازمان ملل، آمریکا و جهانیان هیچ‌گونه واکنش شدیدی در قبال آن نشان ندادند!

در پایان این مبحث اشاره دو نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست اینکه، هدف یادشده سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا به قدری حائز اهمیت است که خانم کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا حتی پس از تصویب قطعنامه تحریم اقتصادی اخیر سازمان ملل علیه ایران، با کمال تعجب اعلام می‌کند چنانچه تهران غنی‌سازی اورانیوم را کنار بگذارد، آمریکا آماده است سیاست بیست‌وهفت ساله خود را [پس از قطع روابطش با ایران در آوریل سال ۱۹۸۰] عوض کند و حاضر است هر وقت و هر کجا با هم‌قطار ایرانی‌اش ملاقات کند.^(۵۰) دوم اینکه، یکی از پژوهشگران سیاسی ارشد فدراسیون روسیه^(۵۱) - به‌عنوان دوست و در واقع متحد استراتژیک ایران و پیمانکار اصلی نیروگاه هسته‌ای بوشهر - پیشنهادی را در ارگان رسمی دولت آن کشور

با عنوان «رژیم عدم حمله» مطرح می‌کند که در واقع قصدش به شکل غیرمستقیم همان تأمین امنیت ملی و بقای اسرائیل است، این نشریه می‌نویسد:

«ایران آبشارهای جدید سائتریفیوژ غنی‌سازی اورانیوم می‌سازد و [درعین حال] اطمینان خاطر می‌دهد برنامه هسته‌ای آن صلح‌آمیز است و وعده می‌دهد که برای اسرائیل «قیامت» برپا کند. متفقین ایران یعنی سوریه و حزب‌الله لبنان پایان روند مسلح‌سازی را اعلام می‌کنند و آماده اجرای عملیات نظامی با «متجاوزین صهیونیست» می‌شوند. اسرائیل مقاصد ایران برای محو کردن [آن کشور] از روی نقشه خاور نزدیک را باور می‌کند و از باور به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران امتناع می‌نماید ... اگر از مباحث بی‌معنا درباره پتانسیل هسته‌ای ایران دست برداشته و ایران را متقاعد نمود که از ایده به‌کارگیری آن امتناع نموده و تعهدات مربوطه را بپذیرد، مشکل اصلی یعنی مشکل جنگ حل می‌شود. اگر نه اینکه برنامه ایران صلح‌آمیز است یا نه، اهمیتی نخواهد داشت. اگر جنگ باشد، پیامدهای آن فاجعه‌بار خواهد بود ... ایجاد شرایط و ضمانت‌های «عدم حمله» گره‌های سخت بر درهای باشگاه هسته‌ای را خواهد گشود»^۱.

روابط و مناسبات منطقه‌ای

کیفیت روابط ایران با کشورهای خلیج فارس در ارتباط با برنامه هسته‌ای کشور را باید عمدتاً در دو دوره زمانی متفاوت مورد بررسی قرار دهیم: نخست سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۴ یعنی دوره‌های ریاست جمهوری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و خاتمی، دوم سال ۱۳۸۴ تاکنون در دوران دولت آقای احمدی‌نژاد. با توجه به ویژگی‌های دوران دولت‌های هاشمی رفسنجانی^(۵۲) و خاتمی^(۵۳) - و به‌ویژه شخصیت اخیر- و به‌رغم ادامه انواع تحرکات و اقدامات دیپلماتیک و نظامی امریکا در ضدیت با ایران و اعمال فشار روی کشورهای منطقه، کشورهای منطقه در مجموع تلاش داشتند موضع‌گیری متعادل و دوستانه‌ای در قبال ایران اتخاذ نمایند. در میان

^۱. یوگنی ساتانوفسکی، رئیس انستیتو خاور نزدیک روسیه

کشورهای خلیج فارس، گسترش و تعمیق روابط ایران با دو کشور عربستان سعودی و عمان بنابه سابقه مناسبات سیاسی و همکاری‌های نظامی-امنیتی پیش از انقلاب و نیز موقعیت ویژه استراتژیک و ژئوپلیتیک عمان - به‌عنوان حافظ امنیت بخش جنوبی تنگه هرمز - از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.^(۵۴)

در این دوران روابط ایران و عربستان سعودی^(۵۵) در راه گسترش، ثبات و دوستی گام برمی‌دارد. این در حالی است که واشنگتن تلاش می‌کند ایران را منزوی کرده و از توسعه نفوذ آن در نقاط دیگر به‌ویژه در منطقه استراتژیک و سرشار از ذخایر غنی نفتی خلیج فارس بکاهد. ایران و عربستان سعودی در این منطقه به‌مثابه دو قدرت منطقه‌ای عمل می‌کنند. نوع جهت‌گیری سیاسی ایران در قبال تهاجم نظامی عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ موجب شد کشورهای عرب منطقه در مقایسه با سال‌های قبل (به‌ویژه دوران جنگ ایران و عراق) دیدگاه بسیار مثبت و دوستانه‌ای نسبت به ایران پیدا کنند. انتخاب آقای خاتمی به‌عنوان رئیس جمهوری نوگرا و اصلاح‌طلب ایران در سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) به‌مثابه کاتالیزوری در روابط ایران و عربستان عمل کرد. سیاست‌های وی توانست راه‌های توسعه سریع روابط ایران و کشورهای عرب جنوب خلیج فارس و کاهش هرچه بیشتر تنش‌ها و بدبینی‌های موجود را هموار سازد^(۵۶) در همین دوران، شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه امیر بحرین در اواخر اوت ۲۰۰۲ مسافرتی رسمی به تهران داشت که با اهمیت تلقی می‌شد. پیش از وی، در اوائل ماه اوت نیز وزیران امور خارجه عربستان سعودی و عمان به ایران سفر کردند و در ادامه ابراز موضع مخالف کشورهای عرب، موکداً مخالفت خود را نسبت به حمله احتمالی امریکا و انگلیس به عراق (پیش از شروع بحران ۲۰۰۳) ابراز و تأکید نمودند.^(۵۷)

کیفیت و کمیت روابط و مناسبات سیاسی-امنیتی ایران با کشورهای منطقه در دوران دولت آقای احمدی‌نژاد در مقایسه با قبل و در عمل، با تغییرات قابل توجهی مواجه بوده است. درعین حال، مقامات سیاسی دولت فعلی بیشترین تلاش دیپلماتیک خود را برای گسترش روابط حسنه با کشورهای منطقه مبذول داشته‌اند.^(۵۸) کویت در کنار تحرکات مشابه کشورهای منطقه، از جمله کشورهایی است که به‌منظور ابراز نگرانی شدید خود از شرایط جدید منطقه (در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران)، هیئت‌هایی را اخیراً به تهران اعزام کرده است.

برداشت و طرز تلقی کشورهای خلیج فارس نسبت به ایران هسته‌ای کاملاً متفاوت از ایالات متحده است. یکی از پژوهشگران عرب عضو یک مرکز پژوهشی، اشاره می‌کند کشورهای منطقه از تهاجم احتمالی امریکا و اسرائیل به ایران و ایجاد شرایط جدید در منطقه می‌ترسند. درعین حال، آنان برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی ضد امنیت خود تلقی نمی‌کنند. وی می‌گوید کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از ایران هسته‌ای نگران‌اند، اما فکر می‌کنند می‌توانند با این مسئله، با تأمل و صبر و شکیبایی برخورد کنند.^(۵۹)

مسائل امنیتی منطقه

ایران در مناسبات و روابط سیاسی- امنیتی خود با کشورهای منطقه- و به‌ویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق - همواره تلاش کرده است نظر مساعد و اعتماد و اطمینان خاطر آنان را نسبت به ج.ا.ایران جلب نماید و در کنار آن همواره نسبت به همکاری و مشارکت با امریکا در طرح‌های امنیتی و مانورهای نظامی مشترکِ خلاف مصالح و منافع ایران، هشدارهای جدی داده است. رخدادهای نظامی و امنیتی سه دهه اخیر در منطقه نشان می‌دهد با وجود تبلیغات منفی غرب و سوءظن و بدبینی شدید اعراب نسبت به ج.ا.ا، این عراق بود که با تأیید و حمایت همه‌جانبه غربی‌ها جنگ هشت ساله پُرخسارت و ناخواسته‌ای را به ایران تحمیل نمود. این عراق بود که به کویت حمله کرد و کل خاک آن کشور را تصرف نمود؛ عراق بود که به دنبال زمینه‌سازی‌ها و ایجاد فرصت‌های مناسب قبلی برای امریکا (حمله به ایران و کویت)، بحران ۲۰۰۳ عراق را سبب شد.

کشورهای جنوب منطقه نیز پیرو اختلافات ارضی و مرزی، میان خودشان برخوردهای نظامی محدودی داشتند. حتی به‌طور عینی شاهد بودیم پیرو حمله عراق به کویت، به‌رغم فرصت طلایی پیش‌آمده برای ایران به‌منظور تسویه حساب با عراق و حداقل دو کشور اصلی حامی آن در خلال جنگ (عربستان سعودی و کویت)؛ برعکس، ایران قاطعانه این اقدام «تجاوزکارانه» عراق را تقبیح و محکوم کرد و موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود! البته قابل ذکر است همین جهت‌گیری ایران سبب شد سوءظن و بدبینی شدید قبلی کشورهای منطقه تا اندازه زیادی رفع یا کاهش یابد.

ایران در راستای اعمال خط‌مشی‌های منطقی بعدی سیاست خارجی خود در قبال کشورهای منطقه، در تابستان ۱۳۸۱ (اواسط اوت ۲۰۰۲)، ۱۶ نفر از اتباع بنیادگرای

سعودی مظنون به عضویت و همکاری در گروه القاعده را که در مرزهای شرقی کشور دستگیر شده بودند، به دولت عربستان سعودی تحویل داد.^(۳۰) روابط ایران و عربستان سعودی در دوران آقای خاتمی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، آموزشی و امنیتی توسعه یافت. حتی آنان سیاست‌های هماهنگی را در سازمان اوپک در مورد قیمت‌گذاری و میزان تولید نفت اتخاذ کردند. از دیدگاه آنان همکاری‌های امنیتی مشترک در منطقه‌ای که حاوی حداقل ۶۰ درصد ذخایر نفتی کل جهان است، به‌مثابه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به اضافه اینکه، ایران و قطر دومین و سومین کشورهای دارنده ذخایر عظیم گاز طبیعی در همین منطقه هستند. جالب است که توسعه روابط ایران و عربستان سعودی و به‌خصوص ابراز علاقه‌مندی و تلاش‌های آنان در مورد امنیت منطقه، سبب شد تا عراق در دوران صدام این روند را «ائتلاف ضد عراق» توصیف نماید.^(۳۱)

ایران و عربستان سعودی از سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) به بعد، چند موافقت‌نامه امنیتی با یکدیگر امضا کرده‌اند. یکی از آنها در بازدید رسمی امیرنایف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی از ایران در آوریل سال ۲۰۰۲ (فروردین ۱۳۸۱) به امضا رسید. از جمله این همکاری‌ها، مبارزه مشترک دو کشور با سازمان‌های افراطی و تروریستی منطقه می‌باشد. در همین راستا، بنابه اعلام منابع سعودی، ایران در سال ۲۰۰۲، ۱۰۰ عرب سعودی، مصری و اردنی تبار را که از افغانستان وارد خاک ایران شده بودند، دستگیر و اخراج کرد.^(۳۲)

هدف از افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی ایران و از جمله برنامه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، عملیات تهاجمی و توسعه‌طلبی علیه کشورهای منطقه نیست، بلکه صرفاً جنبه دفاعی و بازدارندگی دارد. درحالی‌که مجموعه ادعاها و سم‌پاشی‌های گسترده و مداوم غرب (همانند برنامه و سناریویی که در مورد عراق از یک سال پیش از شروع بحران ۲۰۰۳ طراحی و پیاده شد) قصد دارد این‌گونه به افکار عمومی مردم خاورمیانه و جهان القا کند که برنامه هسته‌ای ایران در نهایت به تولید بمب اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی ختم می‌شود؛ یعنی دقیقاً همان مطالبی که درباره فعالیت‌های چند سال اخیر عراق مطرح شد و پس از سقوط صدام و پیرو کاوش‌های دقیق و فراوان نیروهای مهاجم امریکایی و انگلیسی در تمامی خاک عراق مشخص شد صحت نداشته است!^(۳۳)

دریادار علی شمخانی وزیر دفاع پیشین ایران در مصاحبه‌ای، دکترین دفاعی ایران را به روشنی بیان می‌کند. وی می‌گوید:

ایران مجبور به توسعه تسلیحات برای مقابله با «طیف گسترده‌ای از تهدیدها» از جمله «تجاوز خارجی، جنگ، حوادث مرزی، جاسوسی، خراب‌کاری، بحران‌های ناشی از تولید تسلیحات کشتار جمعی، جرم‌های سازمان‌یافته و تروریسم دولتی» شده است. وی ضمناً بر توانایی ایران در تولید و ساخت [تجهیزات و] سلاح‌های متعارف از جمله بالگردها، زیردریایی‌ها، کشتی‌های جنگی و موشک‌های شهاب تأکید کرد. شمخانی در پاسخ به سؤالی در مورد «پایه‌های دفاع استراتژیک ایران»، بر «دفاع بازدارنده استراتژیک» تأکید می‌کند و اینکه «دفاع بازدارنده به این معنی است که ایران به هیچ‌وجه حالتی تهاجمی نخواهد داشت. ما در تلاش برای تحمل نخستین ضربه دشمن هستیم... بدین ترتیب، هدف‌های ایران ماهیت دفاعی دارد».^(۶۴) وی پیشتر نیز پیشنهاد یک طرح امنیتی را در بیاناتی جداگانه مطرح کرده بود: اینکه ایران و عربستان با کمک یکدیگر و به همراه کشورهای اسلامی پیمان امنیتی با یکدیگر منعقد کرده و نیروی نظامی مشترکی «برای دفاع از جهان اسلام» تشکیل دهند.

با وجود این‌گونه اظهارنظرهای رسمی و آشکار در تبیین برنامه‌های تسلیحاتی و هسته‌ای ایران، غرب همچنان تأکید دارد ایران خطری جدی برای کشورهای خاورمیانه است و باید به مقابله با آن برخاست. از طرف دیگر، غرب با توسل به انواع تمهیدات دیپلماتیک و تبلیغات سیاسی از مشارکت فعال و مستقیم ایران در هرگونه نظام امنیتی خلیج فارس جلوگیری کرده است. این در حالی است که ایران در دوران شاه و به‌عنوان دوست و متحد منطقه‌ای امریکا، در قالب دکترین نیکسون و سیاست دوستونی^۱، به‌عنوان «ژاندارم منطقه» به‌طور رسمی و با مشارکت عربستان سعودی (ستون مالی و حمایتی این سیاست)، وظیفه تأمین امنیت خلیج فارس و تأمین منافع منطقه‌ای امریکا را برعهده داشت.^(۶۵)

کمال خرازی وزیر امور خارجه پیشین ایران در سخنرانی افتتاحیه پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس در تهران اظهار داشت کشورهای خلیج فارس باید خودشان ترتیب‌های امنیتی منطقه را مورد بررسی و بازبینی قرار دهند. وی متذکر شد در سال‌های اخیر روندهای مثبتی در مناسبات ایران با کشورهای خلیج فارس وجود

داشته که راه را برای تشکیل ترتیب‌های امنیتی جامع در منطقه هموار نموده است.^(۶۶) اخیراً نیز پیرو انتشار اخباری مبنی بر تهدید حمله احتمالی امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، سردار مصطفی محمد نجار وزیر دفاع ایران در مسافرتی رسمی به باکو (آذربایجان)، اعلام کرد این‌گونه تهدیدها خبر جدیدی نیست. وی یادآور شد «ما آماده‌ایم همه مسائل [جاری درباره برنامه هسته‌ای ایران] را از طریق مذاکره حل کنیم. بیشتر نیز پیشنهاد کرده بود کشورهای خلیج فارس یک پیمان منع تجاوز با یکدیگر منعقد کنند. وی اظهار داشت هدف مانورهای نظامی اخیر ایران در منطقه خلیج فارس نشان دادن دیدگاه‌های «صلح‌آمیز و دوستانه» نسبت به همسایگان است.^(۶۷)

با وجود تمامی روندهای نظری و عملی مثبت ایران به منظور جلب اعتماد و اطمینان کشورهای منطقه، مرتباً شاهد اعلام تهدیدهای سیاسی و نظامی امریکا (و نیز اسرائیل) علیه ایران و نیز تبلیغات منفی و کارشکنی‌های آن کشور و انگلیس برای جلوگیری از نزدیک شدن و توسعه دوستی و تفاهم بیشتر ایران و کشورهای منطقه هستیم. از طرف دیگر، شاهد افزایش نیرو و تحرکات نظامی بیشتر امریکا و انگلیس در منطقه می‌باشیم. چنانکه اخیراً رابرت گیتز وزیر دفاع جدید امریکا در سفرش به بغداد، رسماً اعلام کرد امریکا حضور [نظامی] خود را در منطقه برای مدتی طولانی حفظ خواهد کرد. بیشتر شبکه تلویزیونی سی.بی.اس امریکا گزارش داده بود هدف از تقویت نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس این است که ایران از ادامه پافشاری بر برنامه اتمی خود و نیز حمایت از شبه‌نظامیان شیعه در عراق منصرف شود.^(۶۸)

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به برداشت واقع‌گرایانه از مباحث در این مقاله، اشاره کردیم که خودیاری مهم‌ترین اصل برای تأمین امنیت یک کشور محسوب می‌شود. اما در اینجا مشکلی ظاهر می‌شود. بدین ترتیب که رعایت اصل خودیاری و افزایش قدرت، خودبه‌خود منجر به تأمین امنیت صرف یک کشور نمی‌شود؛ بلکه برعکس ممکن است ضریب امنیت آن را کاهش دهد. زیرا در خلال روند افزایش قدرت و تأمین امنیت یک دولت، همین امر سبب ایجاد نگرانی و سوءظن و عدم اطمینان دیگر دولت‌ها می‌شود و در نتیجه وضعیتی پدید می‌آید که واقع‌گرایان آن را «معمای امنیت» نامیده‌اند. به عبارت روشن‌تر، در این حالت کشورهای دیگر نمی‌توانند هضم و درک

کنند که آیا این افزایش توان علمی و فناوری و آمادگی‌های نظامی، روندی دفاعی (با هدف افزایش ضریب امنیت دولت) یا امری تهاجمی و توسعه‌طلبانه (با هدف تغییر وضع موجود به نفع دولت مورد نظر) می‌باشد؟

۲. چنانکه از دیدگاه مکتب «واقع‌گرایی کلاسیک» و «واقع‌گرایی ساختاری» بررسی کردیم، ایران با کسب تجربه‌های عینی و ملموس از جنگ ایران و عراق، رخداد‌های سال‌های اولیه انقلاب ناشی از تحریک و تحرک عوامل خارجی و تغییر و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در خلال دهه نخست انقلاب، پس از جنگ با جدیت هرچه تمام‌تر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را پیش‌برد و بر آن تأکید نمود. چه بسا اگر تأثیر چنین پدیده‌هایی نبود، این روند شکل دیگری داشت.

۳. برنامه هسته‌ای ایران بنابه استناد عملکردهای قانونی ایران در این زمینه و از جمله عضویت رسمی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و امضای پروتکل الحاقی آن و اعلام گزارش بازرسی‌های رسمی بازرسان آژانس، حالتی صلح‌آمیز و غیرنظامی دارد و هیچ خطری را متوجه کشورها نخواهد کرد. با این حال، پیشرفت‌های علمی بسیار چشمگیر ایران در این زمینه و تصور تبدیل شدن آتی ایران به یک قدرت هسته‌ای و القای خطرات آن برای کشورهای منطقه از سوی آمریکا و اسرائیل، با هدف توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و در نهایت حفظ وضع موجود، به نفع امنیت اسرائیل و حفظ منافع منطقه‌ای و قدرت و نفوذ آمریکا در خاورمیانه انجام می‌گیرد؛ چراکه در غیر این صورت توازن قدرت به نفع ایران و به ضرر طرف‌های دیگر به هم خواهد خورد. تصور تحقق این روند حداقل تا زمانی که سیاست خارجی ج.ا.ایران همان ویژگی اسلامی-انقلابی و رادیکال را داراست و حالت میانه‌رو به خود نگرفته، از دیدگاه آمریکا و اسرائیل غیرقابل قبول و هضم خواهد بود.

۴. تأثیر برنامه و توان هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بر کیفیت و کمیت روابط و مناسبات سیاسی-اقتصادی ایران با کشورهای خلیج فارس چندان قابل توجه و ملموس نبوده است. به عبارت دیگر، نقش مواضع و سیاست خارجی ج.ا.ایران در هر یک از دولت‌های هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد در قبال کشورهای منطقه، به نوبه خود و در مقایسه با تأثیر برنامه هسته‌ای ایران، اثرات و پیامدهای ملموس بیشتری را در برداشته است.

۵. تأثیر برنامه و توان هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بر مسئله امنیت و ترتیب‌های آن در منطقه خلیج فارس، در مقایسه با پیش از شروع آن و پیشرفت‌های علمی-فناوری

ایران در این زمینه و در مقایسه با تأثیر بر چگونگی روابط دیپلماتیک (بند ۴) از حساسیت بالاتری برخوردار شده است. به عبارت روشن‌تر، قدرتمندتر شدن ایران با توجه به مواضع سیاست خارجی انقلابی-اسلامی و رادیکال آن، ضریب اعتماد و اطمینان نسبی کشورهای منطقه و نیز امریکا و اسرائیل و غرب را نسبت به ج.ا.ا. به استناد قرائن و شواهد و اسناد و مدارک موجود در این رابطه، کاهش داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای کسب اطلاع از دلایل شروع جنگ عراق علیه ایران و هدف‌های مورد نظر و تحرکات بین‌المللی در قبال آن، از جمله ر.ک. به: مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، **بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع** (تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸)، دو جلد. جیمز بیل، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی (تهران: انتشارات شهر آشوب، بهار ۱۳۷۱). منوچهر پارسادوست، **نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، هم‌گامی امریکا و شوروی در ادامه جنگ** (تهران: شرکت سهامی انتشار، بهار ۱۳۷۱).
۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سیاست امریکا و شوروی و نیز سازمان ملل در قبال جنگ ر.ک. به: **بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن** (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، فصل نهم.
۳. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد اول، همان، ص ۱.
4. Ralph King, Adelphi Paper, No. 219 : **The Iran-Iraq War, the Political Implications** (London: IISS, 1987), P. 51.
5. Robert G. Darius, **Gulf Security into the 1980's** (Stanford: Stanford University, 1984), P. 193.
۶. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این نظریه ر.ک. به: هانس جی. مورگنتا، **سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح**، ترجمه حمیرا مشیرزاده (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴)، بخش دوم. ضمناً: بیژن اسدی، «تلاش برای قدرت: سیاست حفظ وضع موجود» **مجله سیاست خارجی**، سال ۲، شماره ۴ (مهر - اسفند ۱۳۷۶).
۷. سید حسین سیف‌زاده، **مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی** (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، ص ۵۷.
۸. همان، ص ۵۹، به نقل از: R.P.Dutt, **World Politics: 1918-39** (London: Victor Gollancs, 1936), P. 26.
۹. همان، به نقل از: Aron, **Peace and War** (London: Wiedenfeld and Nicolson, 1966), P. 73.

۱۰. امیرمحمد حاجی‌یوسفی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱) (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، بهار ۱۳۸۴)، ص ۲۵.
۱۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این مبحث ر.ک. به:
- Timothy Dunne. "Realism." in John Baylis and Steve Smith (eds.), **The Globalization of World Politics** (Oxford: Oxford U. Press, 1997), pp. 109-124.
12. Kenneth Waltz, **Theory of International Politics** (Reading, Mass.: Adison Wesley, 1979).
13. Gooffrey Kemp. "How to Stop the Iranian Bomb?" **The National Interest**, No.7 (summer 2003).
۱۴. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران: مترجم، ۱۳۷۱)، صص ۱۵۷-۱۵۹.
۱۵. همان، صص ۱۶۱-۱۶۰.
16. "Iran may need Nuclear Power: Study." 16. See: <http://www.iranmania.com/News> (Dec.27, 2006)
۱۷. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سیاست امریکا و شوروی در قبال انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق از جمله ر.ک. به: بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، همان، فصل‌های هشتم و نهم.
18. **Ibid.**
۱۹. ر.ک. به: همان، فصل‌های هشتم و نهم. ضمناً:
- WM.J. Olson (ed.), **U.S. strategic Interests in the Gulf Region** (Boulder: Westview Press, 1987). Also: Anthony Cordesman., **the Iran-Iraq War and Western Security, 1984-1987** (London: Jane's 1987).
۲۰. روزنامه اطلاعات (۱۳۶۷/۵/۱).
۲۱. روزنامه اطلاعات (۱۳۶۷/۵/۹).
۲۲. محمد دورودیان، سیری در جنگ ایران و عراق: پایان جنگ (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸)، ص ۱۸۷.
۲۳. روزنامه اطلاعات (۱۳۶۷/۴/۲۹).
۲۴. سیدرضا موسوی و سید مصطفی ابطی «دیدگاه‌های مسئولان مملکتی درباره بازسازی» ماهنامه سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (مهر ۱۳۶۷)، صص ۱۹-۱۳.
۲۵. امیرمحمد حاجی‌یوسفی، همان، صص ۲۷-۲۶.

26. H.A. Kissinger, **American Foreign Policy**, 3th. Ed. (New York: W.W. Norton, 1977), P. 204.

۲۷. همان، صص ۲۸-۲۷.

28. See: Shahram Chubin, **Iran's National Security Policy: Intentions, Capabilities, and Impacts** (Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace, 1994).

۲۹. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه از جمله ر.ک. به :

Daniel Byman. "Iran, Terrorism, and Weapons of Mass Destruction." **U.S.**

Congress, Homeland Security Committee (Sep. 8, 2005). Also:

Geoffrey Kemp, Op. Cit.

۳۰. تیموتی گاردن، «چرا کشورها به دنبال سلاح‌های هسته‌ای هستند؟» ترجمه بیژن اسدی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - امریکاشناسی، سال چهارم، شماره ۳ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۱۳.

۳۱. لیبی با توجه به شرایط ویژه سیاسی - اقتصادی کشورش و نیز اعمال فشارهای بین‌المللی به‌خصوص از سوی امریکا بالاخره در دسامبر ۲۰۰۳ اعلام نمود برنامه سلاح‌های کشتار جمعی خود را متوقف می‌کند.

۳۲. همان.

۳۳. جوست هیلترمن مدیر طرح خاورمیانه‌ای گروه بحران بین‌المللی در امان (اردن). وی در سال ۲۰۰۵ در حال نگارش کتابی درباره سلاح‌های شیمیایی عراق و استفاده از آنها علیه نیروهای ایرانی و افراد عراقی (در شهر حلبچه) در خلال جنگ ایران و عراق و پیامدهای ناشی از آن و نیز سکوت مجامع بین‌المللی در قبال آن بوده است.

34. Joost R. Hiltermann. "Iran's Nuclear Posture and the Scars of War." **Middle East Report Online** (Jan. 18, 2005)

35. **Islamic Republic News Agency** (Oct. 19, 1988). (English)

۳۶. برای شرح تفصیلی هر یک از این عوامل ر.ک. به : تیموتی گاردن، همان، صص ۱۲۴-۱۱۸.

۳۷. برای آشنایی با ویژگی کشورهای دارای هدف‌های جهانی بنابه طبقه‌بندی هالستی، ر.ک. به: حمید بهزادی (مددی)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی (تهران: دهخدا، ۱۳۵۳)، صص ۱۴۰-۱۳۵.

۳۸. برای آشنایی با چهارچوب‌ها و محورهای سیاست خارجی ایران ر.ک. به: بیژن ایزدی، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران** (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱).

۳۹. در مورد دیدگاه و سیاست ایران در قبال اسرائیل ر.ک. به: بیژن اسدی، «سیاست خارجی ایران در قبال مسئله فلسطین در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران: یک بررسی تطبیقی» **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۷ (پائیز و زمستان ۱۳۸۳). ضمناً ر.ک. به:

Behrouz Souresrafi, **Khomeini and Israel** (England: Researchers Inc., 1988).

۴۰. نقش امریکا و اسرائیل در تحریک و حمایت از تحرکات ضدامنیتی و شورش‌های قومی-نژادی در کردستان و سایر نقاط کشور، تهاجم نظامی به طیس، کودتای نوژه، حمایت همه‌جانبه از عراق در جنگ علیه ایران، درگیری نظامی مستقیم با نیروهای ایرانی در منطقه خلیج فارس در جریان جنگ ایران و عراق، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی، اعمال نفوذ در سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای علیه ایران، تحریک و هدایت تبلیغات شدید و منفی ضد برنامه هسته‌ای ایران، سیاست مهار دوگانه، قانون داماتو، بلوکه کردن دارایی‌های ایران در امریکا، تحریم اقتصادی و سیاسی و نظامی ایران و موارد متعدد دیگر از آن جمله هستند. ضمناً دو سال پیش (۲۰ ژانویه ۲۰۰۵) سیمور هرش روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی معروف امریکایی و نزدیک به کاخ سفید، در مقاله‌ای در نشریه نیویورکر اعلام کرد امریکا خود را آماده حمله به ایران می‌کند. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به:

http://www.gnn.tv/threads/1808/war_on_Terror_to_be_Expanded

ضمناً پیرو بارها تهدید اسرائیل به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، اخیراً هفته‌نامه انگلیسی ساندری تایمز اعلام کرد اسرائیل برای حمله اتمی به تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در ایران برنامه‌ریزی کرده است. ر.ک. به:

[http://www.voanews.com/Persian \(Jan. 7, 2007\)](http://www.voanews.com/Persian (Jan. 7, 2007))

۴۱. برای اطلاع تفصیلی دیدگاه‌های هابز ر.ک. به: و. ت. جونز، **خداوندان اندیشه سیاسی**، ترجمه علی رامین (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱)، جلد ۲.

42. See: R.K. Ramazani, **Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East** (Baltimore: John Hopkins University Press, 1986).

۴۳. برای آشنایی با برخی ویژگی‌ها و مسائل ساختاری سیاست خارجی ایران ر.ک. به: بیژن اسدی، «مشکل سیاست خارجی ایران: عدم ارتباط و هماهنگی بین پژوهش‌ها و عملکردها (واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی؟)» **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی** (پائیز و زمستان ۱۳۸۳).

۴۴. از جمله یکی از اخیرترین این‌گونه اظهارنظرها این بود که آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای با مجله معتبر و پرتیراژ آلمانی اشپیگل در تاریخ ۳۰ ماه مه ۲۰۰۶، منکر مسئله هلوکاست و حق موجودیت اسرائیل شد. در همین رابطه و اظهارنظرهای این چنینی است که مثلاً سناتور بیل فریست (Bill Frist) امریکایی با ادعای تهدیدآمیز و خطرناک بودن برنامه هسته‌ای ایران، به دولت و مردم کشورش هشدار می‌دهد: «احمدی‌نژاد را جدی بگیرید» و اینکه «ممکن است بسیاری از مردم او (احمدی‌نژاد) دست کم بگیرند و اینکه واقعاً نماینده و نماد کل حکومتش نیست، اما او (سناتور فریست) خلاف آنها فکر می‌کند و این‌گونه سخنان و تهدیدها را کاملاً جدی می‌گیرد». ر.ک. به:

<http://www.volpac.org> (May 30, 2006)

45. See includes: Geoffrey Kemp. "Iran's Bomb and what to do about it?" **The Nixon Center** (March 2004). Also: Michael Eisenstadt. "Delay, Deter and Contain, Roll-Back: Toward a Strategy for Dealing with Iran's Nuclear Ambitions" <http://www.volpac.org> (May 30, 2006)

46. **Ibid**, (March 2004).

۴۷. ر.ک. به: بیژن اسدی. «مسئله سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل» فصلنامه خاورمیانه، سال ۲، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۴). (معرفی و نقد کتاب). ضمناً:

Israel Shahak, **Open Secrets: Israeli Nuclear and Foreign Policies** (London: Pluto Press, 1997).

48. See: Shai Feldman, **Nuclear Weapons and Arms Control in the Middle East** (Cambridge MIT Press, 1997).

۴۹. برای آشنایی با روند پرونده هسته‌ای ایران و رابطه‌اش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله ر.ک. به:

Farideh Farhi. "Iran's Nuclear File: The Uncertain Endgame." **Middle East Report Online** (MERIP), (Oct. 24, 2005).

۵۰. خبرگزاری‌ها (دوم دی ماه ۱۳۸۵/۲۳ دسامبر ۲۰۰۶).

51. <http://www.voanews.com/Persian> (Jan. 11, 2007)

۵۲. یوگنی ساتانوفسکی؛ «رژیم عدم حمله، خروج از بن‌بست هسته‌ای ایران» روزنامه ایزوستیا (۱۵ آذر ماه ۱۳۸۵). به نقل از خبرگزاری نووستی روسیه، ر.ک. به:

http://pe.rian.ru/articles/digest/2006_1209/5955_4337-print.

۵۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: انوشیروان احتشامی، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (اقتصاد، دفاع، امنیت)، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستینچی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸) صص ۹۹-۹۵.

۵۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: مهدی ذاکریان (گردآوری و تدوین)، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران (تهران: انتشارات همشهری، بهار ۱۳۷۸)، دو جلد. ضمناً: بیژن اسدی، «ایران و خلیج فارس: سیاست تنش‌زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه» فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۴، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۹)، صص ۱۲۸-۱۰۵.

۵۵. ر.ک. به: بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، همان، بخش دوم.

56. See: Anthony H. Cordesman. "Saudi Arabia and Iran". **Center for Strategic and International Studies** (June 2001).

57. "Iran-Saudi Relations Grow on Stable and Friendly." In: <http://www.gasandoil.com/goc/news/ntm24879.htm>

58. "Bahrain turns to Iran." In: <http://www.persianguelfonline.org/takeaction/news082202.htm>.

59. <http://www.Iranmania.com> (May 2, 2006)

60. <http://www.niacouncil.org/pressreleases/press437asp>.

61. <http://www.gvnews.net/html/Opinion/alert502.html>

62. **Ibid**

63. **Ibid**.

۶۴. قابل توجه است که در فاصله سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۲، با نظارت بازرسان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و فشار مشترک امریکا و انگلیس، همه فعالیت‌های مربوط به تسلیحات کشتار جمعی عراق محدود و معدوم شده بود! برای جزئیات بیشتر ر.ک. به: بیژن اسدی، «نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل متحد: آقای کوفی عنان اجازه ندهید ماجرای بحران عراق در مورد ایران نیز تکرار شود!» روزنامه آفتاب یزد، شماره‌های ۱۷۱۹ و ۱۷۲۰ (۱۰ و ۱۱ بهمن ۱۳۸۴).

۶۵. روزنامه سیاست روز (۲۹ بهمن ۱۳۸۱).

۶۶. جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک. به: بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، صص ۳۶۰-۳۵۶.

67. <http://www.iranmania.com/News/Article View> (March 2, 2005).

68. <http://www.irandefence.net> (20/4/2006)